

باورهای عامیانه مردم ایران



MIX
papier aus verantwor-
tungsvollen Quellen
FSC® C019863

نشان استاندارد کاغذ بالک سوند

سرشناسه: ذوالفقاری، حسن، - ۱۳۴۵
عنوان و نام پدیدآور: باورهای عامیانه مردم ایران / حسن ذوالفقاری با همکاری علی اکبر شیر
مشخصات نشر: تهران، نشر چشمه، ۱۳۹۴
مشخصات ظاهری: ۱۱۶۳ ص.
شابک: 978-600-229-397-8
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا
یادداشت: نمایه
موضوع: فرهنگ عامه -- ایران
موضوع: خرافات -- ایران
موضوع: ایران -- آداب و رسوم و زندگی اجتماعی
شناسه افزوده: شیر، علی اکبر، - ۱۳۳۹
رده‌بندی کنگره: ۲۹۰GR / ۵۲۱۳۹۴
رده‌بندی دیویی: ۳۹۸ / ۰۹۵۵
شماره کتاب‌شناسی ملی: ۳۶۲۷۹۳۹

باورهای علمیان
مردم ایران
دکتر حسن ذوالفقاری
با همکاری علی اکبر شیرازی



cheshmehpublication



telegram.me/cheshmehpublication

www.cheshmeh.ir

رده‌بندی نشر چشمه: علوم اجتماعی - فرهنگ عامیانه

باورهای عامیانه مردم ایران
حسن ذوالفقاری
(عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس)
با همکاری علی اکبر شیرینی

مدیر هنری: مجید عباسی
لینوگرافی: باختر
چاپ: دالاهو
تیراژ: ۸۰۰ نسخه
چاپ اول: پاییز ۱۳۹۴، تهران
ناظر فنی چاپ: یوسف امیرکیان
حق چاپ و انتشار محفوظ و مخصوص نشر چشمه است.
هرگونه اقتباس و استفاده از این اثر، مشروط به دریافت اجازه کتبی ناشر است.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۲۹-۳۹۷-۸

دفتر مرکزی و فروش نشر چشمه:

تهران، خیابان انقلاب، خیابان ابوریحان، خیابان وحید نظری، شماره ۳۵.
تلفن: ۶۶۴۹۲۵۲۴

کتابفروشی نشر چشمه مرکزی:

تهران، خیابان کریم خان زند، نبش میرزای شیرازی، شماره ۱۰۷.
تلفن: ۸۸۹۰۷۷۶۶

کتابفروشی نشر چشمه گورش:

تهران، بزرگراه ستاری شمال، نبش خیابان پیامبر مرکزی، مجتمع تجاری کورش، طبقه پنجم، واحد ۴.
تلفن: ۴۴۹۷۱۹۸۸-۹۰

کتابفروشی نشر چشمه آرن:

تهران، شهرک قدس (غرب)، بلوار فرزادای، ترسیده به بزرگراه نیایش، خیابان حافظی، نبش خیابان فگار مقدم،
مجتمع تجاری آرن، طبقه ۲.

مقدمه

باورهای هر قوم با فرهنگ آن قوم ارتباط مستقیم دارد. باورها بنیادی‌ترین مبانی جهان‌بینی انسان را در خود دارد. با تحول باورها، فرهنگ نیز گرایش و سمت‌وسوی دیگری به خود می‌گیرد؛ بنابراین با شناخت تحولات رخ داده در باورهای اقوام، به فرهنگ آن قوم می‌توان پی برد. این شناخت ما را به دیگر تحولات اجتماعی، اعتقادی، سیاسی و فکری رهنمون خواهد کرد. باورداشت‌های اقوام با توجه به شیوه زندگی، برخاسته از عمق فکر و ذهن آن قوم است، مطالعه و امعان نظر در این باورها به ما کمک می‌کند تا ببینیم کدام‌یک از این باورها حاوی دستوری بهداشتی، اخلاقی و انسانی است. مطالعه دقیق‌تر این باورها به ما می‌گوید حتی در افراطی‌ترین این باورها، رمزورازی نهفته است که شاید به دلیل فراموشی فلسفه وجودی آن‌ها، اکنون آن باورها را جزو خرافات به شمار می‌آوریم. آن‌چه امروز آن را خرافات و موهومات می‌دانیم، جزئی از مسلمانات و اعتقادات نیاکان ما بوده است. این باورها طی زمان‌های دراز دگرگون شده و شکل‌های تحریف‌شده‌ای از آن به دست ما رسیده است. بیشتر آن‌ها نیز برخاسته از فقدان دانش و بینش کافی مردمان گذشته بوده است. این پژوهش با توجه به چنین ضرورتی انجام شد. یک‌جا کردن باورهای مشترک قومی راه مطالعه را بر ما آسان و امکان مطالعات تطبیقی را ممکن می‌سازد. از گذشته تا امروز صدها کتاب در این حوزه نگاشته شده که حاوی اطلاعات ذی‌قیمتی است. کتاب‌های این حوزه شامل دو بخش است:

اول کتاب‌هایی که جمع‌آوری باورها و خرافات است. شاید قدیمی‌ترین کتاب درباره اخلاق و رسوم و عادات و باورهای زنان در ایران، *عقاید النساء* معروف به *کلثوم‌تنه* نوشته آقاجمال خوانساری (فوت ۱۱۲۵ ق.) باشد. *کلثوم‌تنه* اثری طنزآمیز و انتقادی است که به شیوه رساله‌های عملیه در نقد آداب و عقاید و رفتار زنان خرافی نوشته شده است. این کتاب قدیم‌ترین سند مکتوب درباره اخلاق و آداب و رسوم و باورهای زنان عامی ایران است که در دوره صفویه و در زمان شاه سلیمان صفوی نوشته شده است. جز این در کتب تاریخ و متون ادبی و دیوان شاعران به ده‌ها باور برمی‌خوریم. بر این‌ها باید متون مربوط به نجوم و طب و کانی‌شناسی و کتب عجایب و غرایب و تاریخ و جغرافیا و سفرنامه‌ها و خواب‌نامه‌ها و کتب ادویه و گیاه‌شناسی را افزود که در لابه‌لای مطالب خود به باورهای مختلف مردم اشاره کرده‌اند.

اما در یکصد سال اخیر، هانری ماسه، خاورشناس مشهور فرانسوی اولین کسی است که به‌طور مدون به تدوین اعتقادات و باورهای مردم پرداخت. وی در کتاب خود با عنوان *آداب و عقاید ایرانیان*^۱ که

مفصل‌ترین کتاب در این باره است، به باورهای مردم از دیدگاه یک مستشرق اشاره دارد. وی کتابش را به زبان فرانسه نوشت و دکتر روشن ضمیر به فارسی ترجمه کرد. جلد اول کتاب نه فصل دارد که عناوین آن عبارت‌اند از: ۱. آبستنی، زایمان، کودکی؛ ۲. زناشویی؛ ۳. مرگ و مراسم تشییع جنازه؛ ۴. مراسم ادواری؛ ۵. هواشناسی عامیانه؛ ۶. حیوانات؛ ۷. گیاهان؛ ۸. آب‌ها؛ ۹. پیشگویی، غیب‌گویی. هرکدام از این فصل‌ها نیز به بخش‌های متفاوتی تقسیم شده‌اند. جلد دوم عبارت است از: ۱۰. علائم و پیش‌بینی‌ها؛ ۱۱. شیوه‌های جادویی؛ ۱۲. طبابت عامیانه؛ ۱۳. موجودات خارق‌العاده؛ ۱۴. ساختمان‌ها و بناهای تاریخی؛ ۱۵. افسانه‌های مربوط به مظاهر طبیعت؛ ۱۶. بازی‌ها؛ ۱۷. داستان‌های عامیانه؛ ۱۸. شعر عامیانه.

در آن زمان صادق هدایت (۱۲۸۱ - ۱۳۳۰) در فرنگ بود و اولین مقاله خود را در حوزه فرهنگ عامه با نام «سحر و جادو» در مجله‌ای فرانسوی به چاپ رساند.^۱ صادق هدایت اولین ایرانی بود که از روی قاعده و اصول دقیق علمی به این کار اقدام کرد و سلسله مطالبی را درباره فولکلور^۲ یا فرهنگ توده (نمونه‌ها و دستور جمع‌آوری و تدوین آن) در مجله سخن از اسفند ۱۳۲۳ تا خرداد ۱۳۲۴ انتشار داد که بعدها در کتاب نوشته‌های پراکنده او چاپ شد. او در سال ۱۳۱۲ نیزنگستان را منتشر کرد که مجموعه‌ای از آداب و تشریفات جشن و عروسی، در زناشویی و عزا و ناخوشی‌ها و برآمدن حاجت‌ها و خواب و مرگ و تقال و ساعات سعد و نحس بود. «هدایت گردآوری فولکلور را از خانواده خود آغاز کرد، خریشان او برای ما نقل کردند که خانواده هدایت کنیزی خانه‌زاد و نیمه‌سیاه داشت به نام "ام لیلی"، پدرش سفیدپوست بود، مادرش سیاه. بخشی از موادی که در نیزنگستان آورده، از گفته‌های آن کنیز و برخی از حاشیه‌نشینان خانواده هدایت است»^۳.

انجوی شیرازی گرچه اثری مستقل در این مورد ندارد، اما از طریق برنامه رادیویی خود، گنجینه‌ای از فرهنگ مردم از جمله باورها را گردآوری کرد که امروزه در مرکز فرهنگ مردم صدواسیمیا نگاه‌داری می‌شود. پس از وی باید به احمد شاملو اشاره کرد که در کتاب کوچک بخشی از باورهای عامه را ذیل هریک از موضوعات مطرح می‌کند.

پژوهشگران محلی نیز هریک در کتاب‌های خود بخشی را به باورهای عامه اختصاص دادند اما از این میان کتاب باورها و دانسته‌های عوام در لرستان و ایلام نوشته محمد اسدیان خرم‌آبادی، محمدحسین باجلان فرخی و منصور کیایی (چاپ اول ۱۳۵۸) از نمونه‌های علمی در این زمینه است. کتاب دیگر عقاید و رسوم مردم خراسان نوشته ابراهیم شکورزاده^۴ شامل یازده بخش است که بخش سوم: طب عوام؛ بخش چهارم: فال‌ها و دعاها؛ بخش پنجم: عقاید و احکام متفرقه؛ بخش ششم: هواشناسی عامیانه اختصاص یافته است. جز این، ده‌ها کتاب و مقاله در حوزه فرهنگ عامه مردم نوشته شده که هریک بخشی را به عقاید و باورها اختصاص داده‌اند.

بخش دوم تحقیقات درباره مباحث نظری و نقد و تحلیل باورهاست؛ از جمله «باورهای عامیانه در ایران به گزارش سیاحان غربی» نوشته حمیدرضا شعرافیان. مؤلف ضمن بررسی ساختار خرافات، باورهای عامیانه در ایران، گزارش سیاحان غربی را در مورد طب عامیانه، زایمان، نازایی، ازدواج و

۱. هدایت، صادق، جادوگری در ایران، مامنامه/رمغان، ترجمه خان بابا طباطبایی، دوره ۳۶، ش. هفتم، ۱۳۳۶.

2. Folklore.

۳. شکورزاده، ابراهیم، عقاید و رسوم مردم خراسان، سروش، تهران، ۱۳۶۳.

۴. داناتی پرومند، ص. ۱۷۷.

زناشویی، جانوران، گیاهان و سعد و نحس بیان می‌کند و به نقش درباریان و درویشان در رواج خرافات و انحرافات دینی و تعصبات مذهبی عاقله نیز اشاره دارد.

روش کار

ابتدا کتاب‌شناسی این پژوهش را فراهم و تمامی منابع مکتوب فرهنگ عاقله اعم از کتاب و مقاله را گردآوری کردیم. این کتاب‌شناسی شامل بیش از هزار کتاب و مقاله و پایان‌نامه می‌شود. با تهیه منابع، نرم‌افزاری تهیه کردیم تا با توجه به گستردگی کار، تحقیق از این طریق به انجام رسد. تمامی باورها با توجه به کلیدواژه‌های اصلی در بانک اطلاعاتی ذخیره و در پایان کار از میان هزاران باور گردآمده از مناطق مختلف ایران، تنها یازده هزار باور مشترک در ذیل ۶۵۰ مدخل باقی ماند. این تعداد با ادغام عناوین و درهمکرد باورها فراهم آمد.

۱. کوشیده‌ایم تا آن‌جا که ممکن باشد بازتاب باورهای عاقله را در شعر شاعران، امثال فارسی، سفرنامه‌ها، متون ادبی و تمامی آثار مربوط به فرهنگ مردم جست‌وجو کرده و نشان دهیم. این‌گونه معلوم می‌شود آن‌چه که امروز در مناطق مختلف ایران رواج دارد، قرن‌ها پیش باوری رایج میان مردم بوده است.

۲. ذیل هر عنوان با دسته‌بندی و طبقه‌بندی باورها کوشیدیم نظامی منطقی به باورهای هر مدخل بدهیم.

۳. برخی باورها به‌ناگزیر در دو و گاه سه مدخل تکرار شده‌اند؛ زیرا در آن باور به دو یا چند کلیدواژه اصلی اشاره شده بود.

۴. به دلیل ارجاعات فراوان، و برای کم کردن حجم کتاب، ناگزیر ارجاعات درون‌متنی و کوتاه شد. ارجاعات براساس نام مؤلف است مگر در مورد باورهایی که به شهرستان‌ها تعلق دارد. برای نشان دادن گستره جغرافیایی باورها و منطقه رخداد آن به جای ارجاع به مؤلف، تنها به نام شهر یا منطقه ارجاع دادیم که مؤلف و نام کتاب را می‌توان در منابع پایانی در بخش کوتاه‌نوشت آن یافت.

۵. نمایه‌ای موضوعی شامل بیش از ده هزار عنوان تهیه کردیم تا امکان دسترسی جزئی‌تر به باورها نیز فراهم آید.

تشکر

در پایان از همکار خود آقای علی اکبر شیرینی تشکر می‌کنم که با اشتیاق در کار درهمکرد و تنظیم مدخل‌ها این‌جانب را یاری داد. از خانم‌ها فرحناز مفیدی و فاطمه خان‌بیگی و میترا مهربد نیز در گردآوری باورها و ورود اطلاعات به نرم‌افزار سپاسگزارم.

این اثر را به‌عنوان یکی از منابع شناخت و مطالعه باورهای ایرانی به تمام پژوهندگان فرهنگ عاقله تقدیم می‌کنم و امیدوارم مقبول طبع آنان باشد.

درآمدی بر باورهای عامه

باورهای عامه زیر مجموعه فولکلور و در حوزه مردم‌شناسی است. صادق هدایت در معرفی فولکلور و واکاوی پیشینه آن، امبرواز مورتن^۱ را اولین کسی می‌داند که در ۱۸۸۵ م. «آثار باستانی ادبیات توده را فولکلور نامید؛ یعنی دانش عوام»^۲. سال‌ها بعد بلوکباشی وضع این اصطلاح را به ۱۸۴۶ م. می‌رساند و آن را به عتیقه‌شناسی انگلیسی به نام تامس منتسب می‌دارد.^۳ تامس این اصطلاح را در ۱۸۴۶ م. با نام مستعار امبرواز مورتن در نوشته خود به کار می‌برد.^۴ با ارسال نامه‌ای به مجله آتاتوم پیشنهاد می‌کند این اصطلاح به جای اصطلاح ناهنجار عتیقات عامیانه به کار رود.^۵

فولکلور ناظر بر پژوهش‌هایی در زمینه عادات، آداب و مشاهدات، خرافات و ترانه‌هایی بود که از دوره‌های قدیم باقی مانده‌اند. مؤلف فرهنگ استاندارد فولکلور، اسطوره‌شناسی و افسانه، نزدیک به ۲۱ تعریف از اصطلاح فولکلور ارائه کرده است.^۶ «ادبیات عامه یا ادبیات توده یا فرهنگ عوام یا فولکلور در مقابل ادبیات رسمی قرار می‌گیرد. این ادبیات مخلوق ذهن مردم باسواد و تحصیل کرده است و مجموعه‌ای است از ترانه‌ها و قصه‌های عامیانه، نمایش‌نامه‌ها، ضرب‌المثل‌ها، سحر و جادو و طب عامیانه که میان مردم ابتدایی و بی‌سواد رواج دارد»^۷. موضوع‌های مورد بررسی فولکلور بسیار متنوع است؛ از اساطیر و افسانه‌ها تا آوازها، ترانه‌ها، تصنیف‌ها، دوبیتی‌ها، تک‌بیتی‌ها، نوحه‌ها، شعرهای سوگواری‌ها و لالایی‌ها، امثال، چیستان‌ها، لغزها، زبانزدها، بازی‌های زبانی، زبان‌های مخفی، دیوانه‌نوشته‌ها، ماشین‌نوشته‌ها، نفرین‌ها، حاضر جوابی‌ها و از آداب و رسوم مذهبی مانند انواع گوناگون سفره‌ها، سوگواری، جشن‌های مذهبی تا جشن‌های آیینی مثل چهارشنبه‌سوری، نوروز، سفره‌نوروز، حاجی‌فیروز، دیدوبازدیدها، عیدی دادن و عیدی گرفتن، سیزده‌بدر. از مراسم عروسی و آداب زیارت اماکن مقدس، چشمه‌ها و درخت‌های نظرکرده، قدمگاه‌های اولیا، غذاهای نذری، تا آداب مرگ و تشییع جنازه و جادو و جنبل، فال‌گیری، شیوه‌های جلب محبت و از باورها و عقاید عامه تا خوراک و پوشاک و زندگی مادی و صدها مقوله دیگر. این همه مواد فرهنگ عامه زمینه بسیار مناسبی برای بررسی‌های جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، ادبیات عامه، دین‌پژوهی، زبان‌شناسی و رشته‌های دیگر علوم است.

1. Ambrois Morton

۳. بلوکباشی، ص. ۱۹۰.

۲. هدایت، صادق، فرهنگ عامیانه مردم ایران، ص. ۴۹۵.

۵. پرپ، ولادیمیر، ریشه‌های تاریخی لغت‌های پریان، ص. ۶۰.

۴. دهباشی، علی، یادنامه سید ابوالقاسم الجوی شیرازی، ص. ۴۲۳.

۷. داد، سیما، فرهنگ اصطلاحات ادبی، ص. ۲۲.

۶. همان، ص. ۶.

سی. اس. برن، موضوعات فولکلور را در سه مقوله اصلی و چندین مقوله فرعی قرار داده است. این سه مقوله اصلی عبارت‌اند از:

۱. باورها و عرف و عادات مربوط به زمین و آسمان، دنیای گیاهان و رویدنی‌ها، دنیای حیوانات، دنیای انسانی، اشیای مخلوق و مصنوع بشر، روح و نفس و دنیای دیگر، موجودات مافوق بشر، غیب‌گویی و معجزات و کرامات، سحر و ساحری و طبابت.
۲. آداب و رسوم مربوط به نهادهای سیاسی و اقتصادی و اجتماعی، شاعران و مناسک زندگی انسان، مشاغل و پیشه‌ها، گاه‌شماری و تقویم و جشن‌ها، بازی‌ها و سرگرمی‌های اوقات فراغت.
۳. داستان‌ها و ترانه‌ها و ضرب‌المثل‌ها، داستان‌ها (حقیقی و سرگرم‌کننده)، ترانه‌ها و تصنیف‌ها، مثل‌ها و چیستان‌ها.^۱

فرهنگ عامه شامل دو بخش کلی دانش عامه و ادب عامه می‌شود. فرهنگ عامه از یک سو با انسان‌شناسی و از سوی دیگر با ادبیات مرتبط است. آداب، معتقدات، جشن‌ها، باورها و مسائلی از این قبیل، به انسان‌شناسی و افسانه‌ها، اساطیر، قصه‌ها، ترانه‌ها، تصنیف‌ها، امثال و حکم و مانند این‌ها به ادبیات مربوط است. هریک از اجزای فرهنگ عامه بازتاب‌دهنده روحیات، خُلقیات و آرزوهای هر ملت است و ریشه در اعماق جامعه دارد؛ مسائلی که در فرهنگ رسمی به راحتی قابل شناسایی نیستند و با بررسی و واکاوی فرهنگ عامه می‌توان به آن‌ها پی برد؛ از همین رو، تعبیر «فرهنگ غیررسمی» برای آن به کار گرفته می‌شود. به همین دلیل، باید گفت مطالعه هر جامعه، آن‌گاه ثمربخش خواهد بود و به نتیجه‌های کاربردی می‌انجامد که علاوه بر فرهنگ رسمی، به فرهنگ غیررسمی نیز ارتباط یابد. بخش مهمی از فرهنگ غیررسمی را باورها و خرافات تشکیل می‌دهد.

پیوند باورها با فرهنگ عامه

پدید آمدن فرهنگ عامه دلایل متعدد دارد. گاه آداب و رسوم اجتماعی مردم و گاه تعبیرها و تفسیرهای پیشینیان از وقایع طبیعی یا حوادث زندگی باعث پدید آمدن آن‌ها شده است. باورهای عامیانه، جلوه‌ای از فرهنگ عامه یا فولکلور است که «در متن زندگی و فرهنگ اقوام و ملت‌ها جریان دارد و به شکل‌های گوناگون خود را نمایان می‌سازد. جنبه‌های مهمی از زندگی انسان‌ها به صورت خودآگاه یا ناخودآگاه با فرهنگ عامه پیوند دارد. رواج فرهنگ عامه میان اقوام و ملت‌هایی که پیشینه تاریخی طولانی‌تری دارند به مراتب بیشتر از ملت‌هایی است که سابقه اندک دارند».^۲

باورها بیانگر شیوه‌های زندگی و چگونگی تفکر و مهم‌ترین منشأ پایدها و نیاید‌های انسان است. چرا و چگونه یک چیز را درست و شایسته یا یک چیز را نادرست می‌دانیم؟ باورهای ما هستند که راه‌ورسم و شیوه زندگی ما را تعیین می‌کنند.

عقاید و باورهای انسان‌ها، درست و نادرست، علمی و خرافه، تازه و کهنه، تلخ یا شیرین، زشت یا زیبا، خنده‌دار یا ملال‌انگیز، همه و همه ریشه در فرهنگ چند هزارساله یک تمدن دارد که به مرور زمان، یا به همان شیوه نخستین باقی مانده یا دستخوش تغییراتی شده است. در هر حال برای برقراری ارتباط با افراد هر

۱. بیهقی، حسینعلی، پژوهش و بررسی فرهنگ عامه مردم ایران، ص. ۲۱.

۲. صرفی، محمدرضا، «بازتاب باورهای خرافی در مثنوی»، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، ش. ۱۵ (پیاپی ۱۲)، بهار ۱۳۸۳، ص. ۱۰۵.

جامعه (چه عالم، چه بی‌سواد) ناگزیر از رسوخ به لایه‌های فرهنگی، روش خاص زندگی، عقاید، نمادها و اساطیر آن جامعه هستیم.^۱

تفاوت باور و خرافه

باور عقیده‌ای درست یا نادرست است. باورها عقاید پیشینیان در تمامی جنبه‌های زندگی از تولد تا مرگ بوده است. باورها گاه خرافی است و گاه نه. درستی و نادرستی و خرافه بودن و نبودن آن به نوع بینش و تفکر باورگذار و باورپذیر و اعتقادات شخصی آنان بستگی دارد. باوری برای کسی چنان با روح و زندگی وی پیوند خورده که عین حقیقت است و برای گروهی دیگر خرافه می‌نماید. یکی دانستن باور با خرافه، نوعی جهت دادن و دخالت نگرش شخصی به باورهاست. از همین جا تفاوت باور و خرافه معلوم می‌شود. خرافه، واژه‌ای عربی و جمع آن خرافات است. ریشه آن «خرف» به معنای «چیدن میوه» یا «پیری و فرتوتی» است. نام پاییز هم در عربی «خریف» است که شاید از همین ریشه باشد.^۲ «خرافه» مصدر این فعل است و در اصطلاح بر «حکایت ساختگی و خنده‌آور» یا «عقیده فاسد و رأی باطل»، «حدیث باطل، سخن بیهوده و یاوه»^۳، حکایت‌های شب‌آه^۴، «سخنان پریشان و نامربوط که خوش‌آیند باشند و سخنان خوش‌پیشان»^۵ اطلاق می‌شود. خرافه به عادت و عقیدتی بیرون از مبنای عقل و ناسازگار با آموزه‌ها و موازین شرع و حتا عرف گویند.^۶ در روایتی از پیامبر اسلام، نقل شده است که خرافه مردی از قبیله عذرة یمن بود و مدتی اجته او را ربوده و پس از مدتی به قبیله‌اش بازگشت و هنگامی که رویدادهای عجیب از زندگی جتینان را بیان می‌کرد، میان اعراب به شهرت رسید.^۷ هرگاه بخواهند سخنی را بی‌اساس بدانند، می‌گویند همچون داستان خرافه است.

با توجه به مرز نزدیک و لغزنده باور و خرافات و نیز دشواری تفکیک آن‌ها از یکدیگر، پاسخ به این پرسش که خرافه چیست و خرافاتی کیست، براساس گرایش دینی، سطح سواد و نوع فرهنگ و برخی از جزئیات دیگر متفاوت خواهد بود؛ هیچ تعریفی نمی‌توان برای این مفهوم یافت که مورد وفاق تمام مردم، با ادیان و فرهنگ‌های متفاوت باشد. بی‌دینان، دین‌داران را خرافاتی می‌دانند؛ در حالی که دین‌داران یقین دارند بی‌دینان با کوفه‌فکری‌یی که دارند از دیدن حقایق بسیار مهمتی در جهان هستی ناتوان مانده‌اند. میان خود دین‌داران و بی‌دینان نیز اتهام به خرافی بودن گروه‌های رقیب مسئله‌ای بی‌سابقه نیست.^۸ صادق هدایت مصداق‌های خرافات را چنین برمی‌شمرد: «و آن‌چه جزو خرافات باشد جادوگری، مریضی، کیمیاگری، درویشی، افسون، زهرها و نوشداروها، تسخیر جانوران، ارواح، پیشگویی، جن‌گیری، آینه‌بینی، تفال، بدقدم و خوش‌قدم بودن، خمیازه، عطسه، خیر و شر، استخاره با فال حافظ، آمد و نیامد، چشم‌زخم، چشم‌شور و تخم‌مرغ شکستن است»^۹.

۱. عسگرزاد، منیر، تحلیل نمادهای ماه در باورهای عامیانه ملل، ص. ۳۰۹.
۲. رضاژاده شفق، صادق، مبارزه با خرافات، ص. ۲.
۳. عمید، حسن، فرهنگ عمید، ج ۱، ص. ۸۴۳.
۴. دهخدا، علی‌اکبر، لغتنامه، ذیل خرافات.
۵. حسینی دشتی، مصطفی، معارف و معاریف، ج. ۵، ص. ۱۰۹، و احمد بن حنبل، مسند احمد، ج. ۶، ص. ۱۵۷.
۶. متهمی‌لاری، ذیل خرافه.
۷. علوی‌زاد، سیدحیدر، «قرآن و خرافه‌باوری»، مجله پژوهش‌های قرآنی، بهار و تابستان ۱۳۸۲، ص. ۲۴۸.
۸. هدایت، صادق، فرهنگ عامیانه مردم ایران، مقدمه.

اکنون و برای تبیین بهتر موضوع و تشخیص بهتر ابعاد آن، خرافات را با توجه به تعاریف موجود بررسی می‌کنیم. تعاریف متعددی از خرافات شده است:

۱. «هر نوع عقیده یا عمل دینی نامعقول». همین جا این سؤال پیش می‌آید که چه کسی تعیین می‌کند یک عقیده به خصوص، نامعقول است یا معقول. مشکل این جاست که دین این یکی، از دیدگاه دیگری، «خرافات» محسوب می‌شود...^۱

۲. «ترس بیهوده از عوامل و مرتبط دانستن پدیده‌های نامربوط به یکدیگر است که رابطه بین آن‌ها نه از نظر علم و عقل ثابت و نه از سوی دین تأیید شده است».

۳. «وحشت غیر منطقی یا ترس از یک چیز ناشناخته، مرموز و خیالی؛ یک عقیده، تردید، یا عادت و امثال آن که پایه آن ترس یا جهل است».^۲

۴. «هر چیز که علم، عقل و دین آن را تأیید نکند و مردم به آن معتقد بوده و طبق آن عمل کنند و از مخالفت با آن هراس داشته باشند».

۵. معتقدات، باورها یا انجام کارهایی که هیچ‌گونه ریشه عقلانی ندارند. خرافات به اسطوره‌ها و پیشگویی‌ها مربوط می‌شوند.

۶. عمل یا اعتقاد ناشی از جهل، نادانی، ترس از ناشناخته‌ها، اعتقاد به جادو و بخت، یا درک نادرست علت و معلول‌ها.^۳

۷. «اعتقاد یا عقیده‌ای فاقد پشتوانه علمی به نحس بودن یک چیز، شرایط، حادثه، عمل خاص و نظایر آن».^۴

۸. عقاید و افکاری که از نظر ظاهر عجیب و غریب بوده، به صورتی ناشناخته، موهوم، شگفت‌انگیز و بالاخره عبث و بیهوده جلوه می‌نماید.^۵

۹. نظام فلسفی صادقانه ولی سفسطه‌آمیز که اندیشه آدمی به کمک فرایندهایی که هنوز هم تا حدود زیادی برای ذهن، قابل درک است، رشد داده و به این ترتیب، تکیه‌گاهی اصیل در جهان دارد. گرچه واقعیت‌ها همیشه سخت مغایر با چنین دیدگاهی بوده، اما از این شواهد فقط در سال‌های اخیر و آن هم به تدریج به شیوه سرنوشت‌سازی استفاده شده است.^۶

۱۰. اعتقادات بی‌اساس که با عقل و منطق و واقعیت سازگاری نداشته باشد.^۷

براساس تعاریف پیش‌گفته و در نظر گرفتن فصل مشترک آن‌ها، خرافه به چیزی گفته می‌شود که علم و دین آن را تأیید نکند؛ روابط علی معلولی بین دو چیزی برقرار کند که هیچ‌گونه ربطی به هم ندارند و وحشت غیر منطقی یا ترس از یک چیز ناشناخته، مرموز و خیالی باشد. با توجه به این ملاک‌ها، می‌توان تشخیص داد کدام باور خرافی است و کدام غیر خرافی.

۲. همان، ص. ۵.

۴. فرهنگ بزرگ انگلیسی رندوم هاوز، ذیل خرافات.

۶. تاباور به نقل از جاهودا، گوستاو، روان‌شناسی خرافات، ص. ۵۹.

۱. ولتر، فرهنگ فلسفی، به نقل از جاهودا، گوستاو، روان‌شناسی خرافات، ص. ۵.

۳. صدیقی افشار، فرهنگ زبان فارسی امروز، ذیل خرافات.

۵. ناصح، محمد مهدی، ردیابی در کور راه خرافات، ص. ۵۰۸.

۷. دایرة المعارف تشیع، ج. ۷، ص. ۱۰۷.

چیستی باورها

باورها چهارچوب و اصول راهنمای زندگی هستند، که مفهوم و جهت‌گیری‌های زندگی را شکل می‌دهند. فیلترهایی از پیش تنظیم و تعیین‌شده برای دریافت‌ها و برداشت‌های انسان از زندگی و دنیا هستند؛ هم دنیای بیرونی و هم درونی. باورها به مثابه دستورات درونی هستند که به مغز دستور می‌دهند چگونه زندگی و رفتار کند؛ بنابراین کسانی که باور و اعتقادی ندارند، در زندگی همواره احساس عجز و ناتوانی می‌کنند. «در طول تاریخ، آدمی برای باورها و اسطوره‌هایش احترام زیادی قائل بوده است. ادیان و مذاهب نقش مهمی در پشتیبانی و ترویج باورها دارند. اغلب دانشمندان، فلاسفه و سیاستمداران از حضور باورهایی که موجب ایجاد ارزش‌های اجتماعی و راستی و صداقت می‌شوند حمایت می‌کنند. داستایفسکی به انسان هشدار می‌دهد: «کسانی که باورهای مذهبی را رد می‌کنند، زمین را از خون آبیاری خواهند کرد»^۱.

از نگاهی دیگر، «باور شکلی عمومی از تفکر علمی و دینی است، که از زمان‌های گذشته مورد پذیرش جوامع بوده است»^۲. «نوع انسان در طول تاریخ توجه خاصی به باورها و افکار اسطوره‌ای داشته است. اغلب دانشمندان، سیاستمداران، فلاسفه، و حتا کسانی که به خدا اعتقاد ندارند، از این تفکر حمایت می‌کنند، که بعضی از باورها موجبات ایجاد و شناخت حقیقت را فراهم می‌کنند»^۳.

باورها موضوعاتی ذهنی و بی‌روح نیستند، بلکه مفاهیمی هستند که با احساسات (خودآگاه یا ناخودآگاه) انسان درهم بافته شده‌اند. اگر در باور انسان چالش و تردید ایجاد شود، همواره احساس خطر می‌کند و در برابر اتفاقات پیش‌بینی‌نشده، واکنش‌های نامناسب نشان می‌دهد. تحقیقات نشان داده است، اطلاعاتی که انسان از محیط دریافت می‌کند از صافی باورهایش می‌گذرد و این باورهای اوست که تعیین می‌کنند کدام اطلاعات وارد و ثبت و کدام حذف شود.^۴

ویژگی باورها

نسبی بودن

باورها نسبت به درجه فهم و بصیرت بشر، معنا می‌یابد. بسیاری از مسائل که به نظر ما خرافه می‌رسند، در گذشته به دلیل محدود بودن علم بشر، پذیرفته شده بودند. برای نمونه آینه بازتاب حقیقت، صمیمیت، درون قلب و آگاهی است.^۵ به همین دلیل، مردم باور دارند، آینه را همیشه باید پاک نگه داشت، اگر غبار بگیرد غم می‌آورد (ر.ک. آینه) و اگر آینه خانه کسی بشکند، پشامد ناگواری برای آن خانواده رخ خواهد داد و تا هفت سال دچار مشکل می‌شوند و شگون ندارد. این عقیده، به نظر ما بی‌اساس و خرافاتی است؛ اما در گذشته، به باور مردم شکل و سایه و عکس انسان، قرین یا جزو روح اوست و با شکسته شدن آینه، نقش انسان باطل می‌شود و روح او آسیب می‌بیند. پس بدشگونی شکستن آینه بنا بر باور پیشینیان، خرافه نبوده؛ بلکه بخشی از عقیده آنان بوده است. امروزه می‌دانیم قرینه دانستن عکس با روح، خطاست. در بسیاری از

۱. Walker, Jim (29 March 1997) The problems with beliefs.

۳. همان.

۲. همان.

۴. Pert, Candace. Molecules of emotion: Why you feel the way you feel.

۵. شوالیه، ژان و گریبان، آلن، فرهنگ نمادها، ج. ۱، ص. ۳۲۳.

کتب علمی گذشته بر درستی علمی این باورها صحه گذاشته شده و به عنوان اصلی علمی در شعر شاعران انعکاس یافته است. وقتی می توان باوری را کاملاً خرافه دانست که علم زمانه و دانشمندان نیز آن را رد کنند.

گسترده‌گی و شمول

باورها از اقلیمی به اقلیم دیگر راه می یابد، با آیین ها و عقاید اساطیری آنان درمی آمیزد و صورتی تازه به خود می گیرد یا به همان شکل رواج می یابد. بعضی از باورها دامنه گسترده ای دارند و در اغلب فرهنگ ها دیده می شوند و ریشه در حقایقی دارند که میان ملل به اسطوره مبدل شده اند. حرمت نان و نمک و رد نشدن لز زیر نردبان خاص یک فرهنگ کوچک و خاص نیست بلکه در اغلب فرهنگ ها متجلی است. یکی از آن موارد، نحس بودن سیزده است. سیزده گریزی و ترس از آن در فرهنگ های مختلف وجود دارد. (ر.ک. عدد / سیزده) خرافات مربوط به قشر یا طبقه یا کشور و منطقه ای خاص یا به مردمان قدیم و جدید نیست، همه به گونه ای گرفتار خرافات هستند. «مردمان جهان را نمی توان به دو گروه خرافاتی و روشنفکر تقسیم کرد، بلکه می توان گفت آن ها بیشتر یا کمتر خرافاتی هستند. نظری به تاریخ گذشته نیز مؤید همین نکته است»^۱.

با مطالعه تطبیقی آداب و رسوم ملت های گوناگون به این نتیجه می رسیم که بسیاری از این باورداشت ها و نکات و لطایف، ریشه واحدی دارند یا بهتر است گفته شود بیشتر آن ها از مقوله توارد است که به ذهن افراد مختلف از ملت های گوناگون خطور کرده است و فقط از لحاظ زبان و نوع برداشت با توجه به ویژگی های محیط بین آن ها تفاوت وجود دارد. صحت این مدعا را با مقایسه ضرب المثل ملت های مختلف می توان تأیید کرد.

ادوارد تیلر که تحقیقات مفصلی در مقایسه آداب و رسوم و خرافات ملت های مختلف دارد، می گوید: «وقتی که ما عادات و اعتقادات چادر نشینان وحشی را با ممالک متمدن بسنجیم، تعجب خواهیم کرد که چه قدر از باورهای تمدن های پست با تغییر جزئی در تمدن عالی دیده و شناخته می شود و گاهی هم مشابهت نام دارند»^۲.

تناسب با زندگی بشر

فلسفه شکل گیری باورها نیازهای اولیه و انسانی زندگی است؛ از این رو، مناسبتی نزدیک با حوایح انسانی دارند. آدمی برای آسایش خود و مصون ماندن از حوادث طبیعی و غیرطبیعی، به طلسم و مهره و ورد پناه می برد. با وجود پیشرفت های خیره کننده علم و تکنولوژی، بسیاری از ما ناخودآگاه به باورهای پیشینیان ایمان داریم و بدون آن که دلیل این ایمان را بدانیم برای دفع چشم زخم اسپند می سوزانیم و برای دفع نیروهای اهریمنی به تخته می زنیم، افرادی را خوش قدم و افرادی را بدقدم می دانیم، به تقال اقدام می کنیم و سعی داریم آینده را پیش بینی کنیم.^۳ «زیر نقاب به ظاهر خردگرای جامعه نوین، اشتیاق گسترده و فوق العاده ای نسبت به پدیده های اسرارآمیز و غیبی موج می زند»^۴. و این در حالی است که «رابطه بسیاری از پدیده های خرافی و عناصر فرهنگ عامه با نفس زندگی چندان شناخته شده نیست، در حالی که از نظر کیفی وجود آن با جوامع بشری ملازمه دارد»^۵.

۱. جاهد، گوستاو، روان شناسی خرافات، ص. ۶۰.

۲. هدایت، صادق، فرهنگ عامیانه مردم ایران، ص. ۲۳.

۳. جاهد، گوستاو، روان شناسی خرافات، ص. ۴۱.

۴. صرفی، محمدرضا، بازتاب باورهای خرافی در مثنوی، ص. ۱۰۶.

۵. ناصح، محمد مهدی، ردیابی در گورراه خرافات، ص. ۵۰۸.

دگرذیسی

خرافات با گسترش علوم، شکلی تازه به خود می‌گیرند. باورها، جزو جدانشدنی فرهنگ عامه است. پیشرفت علمی در تمام ادوار به‌طور نسبی وجود داشته است، با این پیشرفت‌ها می‌باید از حجم باورها نیز کاسته می‌شد اما همین فرهنگ که باورهای مردم امروز ایران است، نشان می‌دهد هنوز معتقدانی باورمند دارد. کاوش در ذهنیات مردمان امروز، در هرکجا که باشند، انباشته از این باورها، پندارها و اندیشه‌هاست. هر عصر و هر نسل، خرافات خاص خود را می‌پرورد. همواره در جوامع «دانش‌بنیان» و «خردگرا» و «تجربه‌مدار»، دامنه خرافات محدودتر و پذیرش آن دشوارتر است. امروزه «سیزده‌در» از حالت خرافه به آیینی بدل شده که از آن به روز طبیعت تعبیر می‌کنیم.

نمادین بودن

در ژرف‌ساخت برخی باورها نمادهایی نهفته است؛ در مثل در اغلب مناطق ایران «روی هم قرار گرفتن کفش‌ها را نشانه سفر می‌دانند.» (ر.ک. کفش) این باور نتیجه آن است که کفش پای‌افزار حرکت و نماد و نشانه سفر است. همچنین اغلب مردم دنیا، برای نمک حرمت و اهمیت قائل هستند و در ایران «به نان و نمک قسم یاد کردن» اعتقاد دارند، این دو از برکات پراهمیت هستند. (ر.ک. نمک) همچنین معتقدند آب و نمک مهر فاطمه زهراست، نباید آن را آلوده کرد و از کسی نباید دریغ کرد.^۱ این باور سرچشمه در این واقعیت دارد که نمک نماد فسادناپذیری است. از این رو عهد نمک نشانه عهدی است که نمی‌تواند درهم بشکند و میان یونانیان، عبرانیان و اعراب، نمک نشانه دوستی و مهمان‌نوازی است؛ چون تقسیم‌پذیر است و همچنین نشانه عهدی ناشکستی است؛ چون فسادناپذیر است. مردم حرمت و اهمیتی به نان می‌دهند که در کنار قرآن به آن سوگند یاد می‌کنند؛ زیرا نان نماد غذای اصلی است و آن را غذای روح نامیده‌اند. (ر.ک. نان) و انسان به تجربه دریافته است حیاتش به وجود آن بستگی دارد. ایرانیان معتقدند وجود آب مایه روشنایی و گشایش در کارهاست و می‌گویند اگر اول صبح به در خانه‌ات آب پاشی، تا عصر خبر خوشی به تو می‌رسد. (ر.ک. آب)

تأثیر و نفوذ باورها در وجود انسان

آدمی در دنیای باورهایش زندگی می‌کند، رفتار، کردار و پندار و نیز آداب و رسومش تحت تأثیر باورهایی است که در ذهن و ضمیر او جای گرفته‌اند. به گفته آنتوان چخوف «انسان برابر است با اعتقادات و باورهایش». باورها مجموعه‌ای از ذهنیات و پندارهایی هستند که آدمی آن‌ها را حقیقت می‌انگارد. پذیرفتن و حقیقت دانستن، امر و موضوعی است هم در تفکر و اندیشه و هم در احساس. «اعتماد و احساسی است که فرد به حقیقی یا واقعی بودن بعضی چیزها دارد»^۲. و در حقیقت، هرگونه درک، شناخت و احساسی است که انسان آن را خودآگاهانه یا ناخودآگاهانه درست می‌داند. بسیاری از اجتماعات بشری به حکم اجبار به پدیده‌های خاصی اعتقاد می‌ورزند و خود را به انجام وظایفی در قبال آن مکلف می‌دانند.

۱. هدایت، صادق، نیرنگستان، ص. ۷۹.

2. Oxford, 1994.

تحمیلی بودن

باورها را آدمی به میل و رغبت و آگاهی کامل نمی‌پذیرد. اغلب سنت‌هایی است که از کودکی در روح و جسم او خانه کرده‌اند و بی‌آن‌که فلسفه آن‌ها را بدانند، باید به آن‌ها تن دردهد. این اعتقادات اولیه از دنیای ناشناخته‌ای به یکایک افراد تحمیل شده است، نه این‌که مربوط به یک فرد در زمان خاصی باشد.

سود و زیان باورها

خرافات منافای با «علم» سلامت روانی انسان‌ها را به خطر می‌افکند. اعتقاد به «بدقدم» بودن کودکی که در روز مرگ یکی از نزدیکانش به دنیا آمده است، خلاف علم و عقل است. چنین اعتقادی، موجب سوءظن همیشگی افراد به آن فرد و احساس ناامنی و ترس و دلهره وی و دیگران خواهد شد. باورهای غلط‌کارایی، اعتماد به نفس و حرکت را از فرد سلب می‌کند و موجب انفعال وی می‌شود.

اما باورها چند فایده هم دارند. اگر خللی در بنیان‌های علمی برخی باورها می‌یابیم، که پیشرفت‌های علمی بسیاری از این باورها را رد کرده است، نباید یکباره این گنجینه‌های مطالعاتی را طرد کرد و بیرون ریخت، بلکه باید از آن به‌عنوان یکی از منابع مطالعاتی سیر تکامل و پیشرفت اندیشه بشری بهره گرفت.

هدایت در مقدمه نیرنگستان، کاوش در اعتقادات عوام را نه تنها از نظر علمی و روان‌شناسی مهم و قابل توجه و روشنگر نکات تاریک فلسفی و تاریخی می‌داند بلکه معتقد است پس از تحقیق و پژوهش خرافات، اعتقادات، رسوم و عادات و بررسی و مقایسه آن‌ها با سایر ملل، به ریشه و مبدأ آن‌ها پی می‌بریم. هدایت شناخت تاریخ یک ملت را شناخت باورهای آن ملت می‌داند. به عقیده وی باورهای ایرانی به دو بخش تقسیم می‌شوند: اول باورهایی که خاص ملت ایران و اصیل هستند، دوم باورهایی که از ملل دیگر در رفتار، عادات و معتقدات ایرانی‌ها وارد شده است؛ زیرا طبق شواهد تاریخی، ایران مانند کاروانسرای بوده است که در آمیزش و تماس با قافله‌های بیشتر ملل متمدن و غیرمتمدن دنیای باستان مانند کلدانی، آشوری، یونانی، رومی، یهودی، ترک، عرب و مغول قرار گرفته است. ریشه و یادگارهای این باورها و اعتقادات از زمان زرتشت نیز می‌گذرد و به دوره ابتدایی بشر برمی‌گردد. «دسته‌ای از این اعتقادات و آداب و رسوم خوب و پسندیده است و از یادگارهای روزهای پرافتخار ایران است؛ مانند جشن مهرگان، جشن نوروز، جشن سده، چهارشنبه‌سوری و غیره.» هدایت باورهای غیرایرانی را زائیده فکر ایرانی نمی‌داند و در ادامه می‌گوید: «یک قسمت از این عادات و خرافات که امروزه در نظر جامعه زشت و ناپسند می‌آید بی‌شک فکر ایرانی آن‌ها را ایجاد نکرده است بلکه در نتیجه معاشرت با نژادهای بیگانه و به واسطه فشارهای مذهبی و خارجی تحمیل شده است»^۱.

به گفته هدایت «شاید کسانی پیرسند ثبت و ضبط یک مشت اوهام و خرافات در عصر فضا چه سودی می‌تواند داشته باشد؟ تحقیق درباره اعتقادات عوام نه تنها از لحاظ علمی و روان‌شناسی قابل توجه است، بلکه برخی از نکات تاریک فلسفی و تاریخی را برایمان روشن خواهد کرد. همچنین ما هرگز نخواهیم توانست پیشرفت‌های امروزی را ارج بنهیم و قدر بشناسیم مگر این‌که از گذشته‌مان آگاه باشیم؛ بدانیم دیروز چه بوده‌ایم و امروز چه هستیم. تا زمانی که افکار و اوهامی که همه با نام خرافات می‌شناسند،

جداگانه تدوین نشود، بیگانگان این عقاید سخیف را جزو عادات ملی ما می‌شمارند؛ حال آن‌که تدوین آن به نام عقاید منسوخه قدمت و بی‌اهمیتی آن را می‌رساند^۱.

بی‌شناخت این باورها نمی‌توان به کنه معانی ژرف و حقایق و دقایق بسیاری از امثال و کنایات و اشارات شاعران دست یافت. نفوذ این باورها در فرهنگ و هنر و ادبیات چنان است که بدون اطلاع از باورهای عامیانه حتماً نمی‌توان درک درستی از اشعار شاعران گذشته داشت؛ برای مثال این شعر حافظ را تنها با دانستن یکی از باورهای عامه می‌توان دریافت:

عفاله چین ابرویش اگرچه ناتوانم به رحمت هم کمائی بر سر بیمار آورد

با چشم و ابروی تو چه تدبیر دل کنم و زین کمائی که بر سر بیمار می‌کشی

(ص. ۲۲۵)

میان مردم رسمی بوده که وقتی از دوا و درمان بیماران نتیجه نمی‌گرفتند، مجمعه بزرگی در کنار بیمار نگه می‌داشتند و بی‌آن‌که خود او متوجه باشد، گلوله‌ای گلین در کمان می‌نهادند و به شدت به مجمعه می‌زدند تا بیمار با شنیدن آن صدای غیرمنتظره، یکباره تکان بخورد، بترسد و بهبود یابد. همچنین بدون اطلاع دقیق از باورهای عامه، نمی‌توان این ابیات عطار را فهمید:

تکیه کم کن نیز بر پهلوی در باش دامن از چنین خصلت به در

ای پسر بر آستان در مشین کم شود روزی ز کرداری چنین

(پندنامه)

مردم اعتقاد دارند: «اگر کسی در آستانه درِ اتاق بایستد و به چارچوب در تکیه کند، در آن خانه دعوا راه می‌افتد.» یا این‌که «هرکس توی درگاه بنشیند، به تهمت ناحق گرفتار می‌شود^۲». «گاه مطالعه آثار بازمانده فرهنگ عامه، چنان روشنگر اخلاق و وضع روحی جامعه عصر خویش است که هیچ کتاب تاریخ و جامعه‌شناسی بی نمی‌تواند چنین پرتویی به زندگانی اجتماعی آن روزگار بیفکند^۳».

برخی باورهای عامیانه، با تغییر نگرش نسل امروز کارکرد غیرعلمی خود را از دست داده‌اند و به عنصر فرهنگی مثبتی با کارکرد متفاوت، تبدیل شده‌اند؛ مثل خانه‌تکانی نوروز، که سلامت و بهداشت همراه دارند. امروزه تلقی ما از بسیاری از باورها مثل «فال نیک زدن»، سنتی سودمند و تشویق‌گر و امیدبخش است و به «اعتماد به نفس» افراد جامعه کمک می‌کند.

باورها ارتباط مستقیمی با افکار و رفتار انسان دارند؛ زمانی که افکار انسان تغییر می‌یابد، باورهایش نیز تغییر می‌کند و وقتی باورهایش دگرگون می‌شود، رفتار و اعمالش نیز عوض می‌شود. باورها حتا بر چگونگی کارکرد جسم و اعضای آن تأثیر می‌گذارند. در تاریخ پزشکی موارد بسیار زیادی وجود دارد، که با ایجاد

۱. همان.

۲. شکورزاده، ابراهیم، *عقاید و رسوم مردم خراسان*، ص. ۲۸۶ و برای تفصیل بیشتر ر.ک. محجوب، محمّدجعفر، *ادبیات عامیانه ایران*، صص. ۵۹ - ۸۶.

۳. محجوب، محمّدجعفر، *ادبیات عامیانه ایران*، ص. ۶۸.

باور ساختگی به قدرت جادویی دارویی معمولی در یک بیمار، پس از استفاده از آن دارو، بیمار به طور کامل معالجه شده است.^۱ تحقیقات نشان داده است که بیوشیمی بدن انسان از باورهایش تبعیت می کند و نتایج باورهای انسان نه تنها در عملکرد روح و روان او ظاهر می شود بلکه در چگونگی کارکرد اعضای بدن تأثیر شگرفی دارد. یک نمونه کلاسیک آن «کوتولگی روانی»^۲ است. بچه هایی که باور می کنند دوست داشتنی نیستند، این باور بر میزان ترشح هورمون رشد آنان تأثیر می گذارد و آن را تقلیل می دهد.^۳ به هر حال خرافات هرچه باشد، گنجینه پرباری از واقعیت ها را در خود جای داده است و «امروزه هیچ وسیله عینی برای تمیز خرافات از دیگر انواع باورها و اعمال در اختیار نداریم»^۴.

خاستگاه باورها

باورها حاصل شنیده های ماست و چیزهایی هستند که از زمان کودکی (و حتی پیش از آن) از دیگران شنیده ایم و از منابعی چون محیط، وقایع، دانش، تجربیات پیشین، تصورات و غیره دریافت کرده ایم و به مرور در ذهن و نهاد ما شکل واقعی یافته و به حقیقت تبدیل شده اند. بسیاری از آن ها نتیجه تجربیات و استدلال منطقی آدمی است، هرچند در نگاه اول، چگونگی پیدایش آن ها معلوم نیست. عوامل مؤثر در شکل گیری، ایجاد و رواج باورها را می توان در دو گروه عوامل درونی و بیرونی دسته بندی کرد:

عوامل درونی

درباره سرچشمه و خاستگاه باورها، دیدگاه های بسیار متنوعی وجود دارد. از جمله کسانی که بسیار درباره خرافات سخن گفته اند روان شناسان و جامعه شناسان هستند. «برخی بر این نظرند که منشأ باورها اشتباهات است و برخی دیگر ناهشیار یا ناخودآگاه را منشأ باورها می پندارند و برخی دیگر پاسخ های شرطی را خاستگاه آن می دانند. نرسیدن به تصمیم قاطع از راه های معمولی، در زمان های حساس، یا در امور مهم یا به نسبت مهم نیز زمینه ای می شود تا برای رسیدن به «قطعیت» به باورهای آن پناهنده شوند»^۵.

کلاین برگ در کتاب *روان شناسی اجتماعی* به پنج عامل ذهنی حیرت، جهل، ترس، آرزو و تقلید در پیدایش باورها اشاره می کند.^۶ «بشر سه عیب بزرگ داشت: یکی این که می ترسید؛ دیگر این که زود خیره می شد و حیرت می کرد و سوم آن که نادان بود. خوف، حیرت و جهل سه انگیزه اساسی و مهم در افکار و خیالات خرافی است»^۷. به عقیده تی. اس. نولسون، خاستگاه حقیقی باورها را باید در مساعی نخستین انسان در اموری چون توضیح اسرار طبیعت و هستی انسان، آرزوی مطلوب ساختن سرنوشت به نفع خود و دیدن آینده در حال، آرزوی برکنار ماندن از تأثیر شیاطینی که قادر به درک آن ها نبود و تلاشی ناگزیر برای نفوذ در آینده جست و جو کرد.^۸

براساس عقاید کلاین و برخی دلایل دیگر، عوامل درونی باورها عبارت اند از:

1. Ornstein R, Sobel D. The healing brain: Breakthrough discoveries about how the brain keeps us healthy, 1999.
2. Psychosocial dwarfism.

3. Braden, 2008 & Chopra 1994.

۴. جاهودا، گوستاو. *روان شناسی خرافات*، ص. ۱۶.

۵. علوی نژاد، سیدحیدر، «قرآن و خرافه باوری»، مجله پژوهش های قرآنی، بهار و تابستان ۱۳۸۳، ص. ۲۵۵.

۶. کلاین برگ، اتو، *روان شناسی اجتماعی*، ج. ۲، ص. ۴۹۴.

۷. پاکدامن، محمدحسن، *جامعه در قبال خرافات*، ص. ۳۴.

۸. وارینگ، فیلیپ، *فرهنگ خرافات*، صص. ۱۰ و ۱۱.

کنجکاوی: کنجکاوی یک ویژگی ذاتی و ژنتیکی در وجود انسان یا نتیجه تفکرات و تلاش‌های انسان برای پی بردن به فلسفه هستی و درک و شناخت حیات و تلاشی برای پیش‌بینی حوادث است. «باورها حاصل تلاش و جست‌وجوی انسان برای توجیه و توضیح و تفسیر پدیده‌ها و وقایع هستند. آن‌ها نتیجه تجربیات شخصی و جمعی انسان در طول تاریخ‌اند. آدمی آن‌گاه که با حوادث و رویدادها روبه‌رو می‌شود می‌کوشید با کمک تجربیات به توضیح آن‌ها پردازد. آدمی آن‌گاه که نمی‌توانست رابطه منطقی بین حوادث و پدیده‌های خارق‌العاده را بیابد، برای رهایی از آن به ذکر اورداد و نجواها می‌پرداخت تا بدین ترتیب مصیبت‌ها را کاهش دهد و نتایج دلخواه را از آن به دست آورد و همین امر سبب شد تا به تدریج باورها در ذهن او شکل بگیرد^۱». پیشگویی آینده: توانایی پیشگویی کردن آینده می‌توانست راه مقابله با حوادث را فراهم آورد و انسان را در زنده ماندن کمک کند.^۲

ترس: خرافات در مواقع حساس و لحظه‌های عدم اطمینان و اعتماد بر آینده به وجود می‌آیند تا از این طریق انسان از اضطراب و تشویش رها شده تسکین خاطری یابد. جادو و جنبل، دعا گرفتن برای علاج بیماران وسیله‌ای است برای تسکین و احساس آرامش.

تقلید: تقلید کورکورانه از نیاکان یکی دیگر از علل منتقل شدن باورها از نسلی به نسل دیگر است. «بسیاری از مردم متمدن درباره مفهوم درخت کریسمس یا تخم مرغ عید پاک چیزی نمی‌دانند. واقعیت این است که آنان به کارهایی دست می‌زنند که از معنی و مفهوم آن سر در نمی‌آورند. من بر این باورم که بسیاری از این امور بر روال معروف و عادت انجام می‌گیرد و سال‌های سال همچنان ادامه می‌یابد تا این‌که یک نفر پیدا می‌شود و علت انجام این کارها را می‌پرسد^۳».

اشتباه: لیمان بر آن است که باورها، گونه‌ای از اشتباه است: «تمام باورهای خرافی، در آغاز فقط تفسیرهای غلطی از پدیده‌هایی بودند که با دقت کافی مورد مشاهده قرار نگرفته بودند».

نادانی: «قوم‌شناس بزرگ، سر ادوارد تیلر خرافات را نوعی کاستی فکری می‌داند. در بحث از دلایل روان‌شناختی این پدیده نیز "کودنی و محافظه‌کاری غیرعملی" را از ویژگی‌های آدمی به‌طور اعم و "انسان وحشی" به‌طور اخص قلمداد می‌کند.» لرد چستر فیلد، در یکی از نامه‌های خود به فرزند خویش یادآور می‌شود که این خرافات ناشی از نادانی یا سفاقت است.^۴

نیاز طبیعی: «فیلسوف سرشناس، ارنست هگل، در خصوص پیدایش خرافات و افسانه‌ها نزد اقوام اولیه بشر معتقد است که مبدأ و اصول آن‌ها هم از یک نیاز طبیعی ناشی می‌شود که به صورت اصل علت و معلول در قوانین عقلانی بروز کرده و به خصوص این باورها در اثر حوادث طبیعی مانند زمین‌لرزه، خسوف و کسوف و دیگر پدیده‌ها ایجاد می‌شود که ترس یا تهدید خطری تولید می‌نماید^۵».

یکی از نمادهای ناآگاهی از علل در پدیدآیی باورها، نداشتن درک درستی از علیت است؛ و لیلهم وونت می‌نویسد: «علیت به معنایی که ما در نظر داریم برای انسان ابتدایی مطرح نیست، اما اگر در هر حال بخواهیم از علیت در محدوده تجارب او گفت‌وگو کنیم تنها چیزی که می‌توان گفت این است که وی زیر سلطه جادویی قرار دارد و این نیز خود بر نیروهای عاطفی استوار است نه بر قوانین حاکم بر ارتباط

۱. الهامی، فاطمه، «انمکاس باورهای عامیانه و عقاید خرافی در شعر نظامی»، پیک‌نور، ش. ۱۹، پاییز ۱۳۸۶، ص. ۱۰۴.

2. Walker, Jim (29 March 1997) The problems with beliefs.

۳. یونگ، کارل گوستاو، انسان و سمبول‌هایش، ص. ۱۱۶.

۴. همان، ص. ۷۲.

۵. هدایت، صادق، نیرنگستان، ص. ۲۲.

اندیشه‌ها. علیت اساطیری و جادوی عاطفی را همان‌قدر می‌توان بی‌تغییر و ثابت فرض کرد که علیت منطقی متکی بر توالی نظام‌دار ادراک‌ها و اندیشه‌ها را پرنوسان و بی‌نظم بدانیم^۱.

عوامل بیرونی

انسان به‌عنوان موجودی اجتماعی، همواره در جاتی از باور داشته است.^۲ شاید وجود باور، لازمه زندگی اجتماعی باشد؛ زیرا باورها در ایجاد نظام اجتماعی و همزیستی نقش به‌سزایی دارند. محیط اجتماعی تأثیر مستقیم در ایجاد و پرورش خرافات دارد. این افکار و اعتقادات گاه ریشه در تاریخ و فرهنگ خود مردم دارد یا اعتقاداتی که میراث ملل بیگانه است.^۳

جامعه ایرانی در طول تاریخ احوال و افکار مختلفی را به خود دیده است. حمله مغول به ایران موجب گسترش باورهای شمنی و عقاید مغول‌ها شد که تأثیر زیادی روی فرهنگ ما داشت. گرایش به خرافات و جادوگری به منزله عواملی برای مصون ماندن از مصائب و چشم‌زخم‌ها و ایمن ماندن از بلاهای آسمانی و زمینی چون رعد و برق، زلزله، سیل، قحطی و بیماری میان مغولان رواج داشت.

گاه رهبران بی‌کفایت جامعه، خود علت رواج خرافات هستند؛ به‌خصوص هنگام انحطاط جامعه و زوال حکومت با ترویج خرافات، مشکلات را به نیروهای ماورایی نسبت می‌دهند. مردم به جای تلاش، اتحاد و مبارزه برای حل مشکلات خود دست به دامان نیروهای ماورایی می‌شوند.

مبنای اصلی خرافه‌گری و خرافه‌پردازی عبارت است از قشری‌گری، راززدایی و روندگریزی که در بطن و ذات خود به نحوی خودآگاه و ناخودآگاه، صریح یا ضمنی، انکار عقل و شرع و عرف را در بردارد. منظور از قشری‌گری، جمود بر ظواهر یعنی ظواهر امور و صورت حقایق است که متضمن توقف بر پوسته حقیقت و امتناع گذر و گذار از قشر به سوی لب و لباب است و این خودبه‌خود موجب بدفهمی و زمینه‌ساز تک‌ساحتی شدن افراد است. قشری‌گری به‌ویژه در دین، مانع فهم عمق معارف دینی و حقایق الهی می‌شود و بستر ساز رشد کژفهمی و انحراف و بدعت و عصبيت است. باری قشری‌گری ریشه در خامی ذهن و ناپروردگی اندیشه کسانی دارد که می‌کوشند معارف و حقایق هستی به‌ویژه آموزه‌های دین را در قالب تنگ و محدود فهم‌های قاصر خود محدود و محصور سازند و تنها همان را احتمال بدهند که می‌فهمند و آن‌چه را که در نمی‌یابند، ممکن ندانند. مراد از راززدایی نیز گرایش به این امر است که امور عالم از جمله دین و معارف دینی چونان اموری طبیعی نگریسته شوند و رد پای هر امر ماورای طبیعی در آن‌ها محو شود. این نگرش، عملاً ناقض اغراض دین به‌ویژه برکشیدن آدمی از خاک به سوی خداست. آسیب‌زایی راززدایی از معارف الهی، نه تنها در این است که حقیقتی از نظر پنهان می‌ماند، بلکه همچنین در این است که آثار تربیتی و تحول‌بخش آن در زندگی فردی و اجتماعی نیز فرصت بروز و ظهور نمی‌یابد. تردیدی نیست که میان دو قطب قشری‌گری و راززدایی، دادوستدی نهانی و مستمر برقرار است. رو آوردن به قشر امور و حقایق منجر به راززدایی از آن‌ها شده و به‌عکس راززدایی و تبدیل حقایق باطنی به وقایع عادی به قشری‌گری دامن می‌زند. مؤلفه سوم خرافه‌گرایی، روندگریزی است که گاه در

۱. جاهدودا، گوستاو، روان‌شناسی خرافات، ص. ۶۷.

2. Walker, 1997.

۳. پاکدامن، محمدحسن، جامعه در قبال خرافات، صص. ۷۶-۸۷.

قالب اندیشه به رد و طرد قانون عمومی علیت یا نادیده گرفتن یا استثناپذیری آن می‌پردازد و گاه برانگیخته از امل‌گرایی افراطی و آرزوپروری تخیلی صورت می‌گیرد. مواجهه با قانون عمومی علیت و سرکشی در برابر روند طبیعی امور عالم در طول تاریخ اندیشه آدمیان، هم در تفکر نظام‌مند فلسفی و علمی نمونه دارد و هم در اشکال گوناگون ظهور ادیان، بستر طرح یافته است.^۱

انواع باورهای عامیانه

از منظر ریشه

ریشه‌های اسطوره‌ای

برخی باورها ریشه در اسطوره‌ها دارند؛ در مثل درخت انار و میوه و شاخه‌های آن در اسطوره‌های بیشتر اقوام جهان و ادیان الهی مقدس شمرده شده‌اند. باورهای مربوط به حیوانات و اشیاء اغلب ریشه در اساطیر دارند. از زمان‌های بسیار کهن، مردم درخت و میوه انار را دارای نیرویی جادویی و رمزگونه می‌انگاشته‌اند و از شاخه انار و میوه آن در شماری از آیین‌ها و مراسم دینی - مذهبی خود استفاده می‌کرده‌اند. نیز از این درخت و میوه‌اش همچون نقرات (رماندگان) در دور کردن ارواح خبیث، گزندگان، بیماری‌ها و دردها، از تن، خانه و محیط زیست بهره می‌جستند.^۲

باد در باورها ریشه در اساطیر دارد. در باورها «جایگاه بادها در شرق است. بر باد فرشته‌ای نگهبان است که به وقت نیاز با کلیدهایی که در دست دارد، دری از باد به جهان می‌گشاید و باد از مشرق راهی مغرب می‌شود و چون در مغرب به کوه قاف رسید، دوباره به جای خود بازمی‌گردد. ماهی در دریای آب می‌زید و انسان در دریای باد زندگی می‌کند»^۳. خداوند تعالی اسب را از باد جنوب خلق فرمود. بادی که از طرف قبله بیاید از مقبره محمد می‌وزد. باید دست به رو کشید و صلوات فرستاد.^۴

ریشه‌های دینی و مذهبی

در بسیاری موارد، باورهای مسلمانان از اعتقادات دینی تأثیر پذیرفته‌اند. «باورها در آغاز پیدایش خود، بیشتر جنبه آیینی و مذهبی داشته‌اند، به تدریج و در طول تاریخ با تکامل مذاهب بشری، ریشه‌های دینی باورها به فراموشی سپرده شده، اما از رواج آن‌ها میان ملت‌ها کاسته نشده است. بررسی این باورها بیانگر مشابهت فرهنگ کنونی بشر با فرهنگ کهن اوست»^۵. به عنوان مثال، باور ایرانیان در مورد ارزش و جایگاه آتش و نور از باورهای دین زرتشتی و نیز اسلام سرچشمه می‌گیرد. یا باور مردم در مورد پل صراط که «هرکس عملش صالح باشد از پل صراط می‌گذرد و هرکس نباشد می‌افتد ته جهنم» (ر.ک. آتش) تجلی باور دینی است یا در مورد نقاشی می‌گویند: «کسی که نقاشی می‌کند روز قیامت باید به آن جان بدهد و گر نه سخت مجازات خواهد شد و به جهنم می‌رود و کشیدن تصویر و نقاشی از چهره فردی باعث می‌شود که آواره شود» (ر.ک. نقاشی) این باور ناشی از آن است، که در متون روایی شیعه و سنی روایات زیادی

۱. وکیلی. هادی. «خرافه‌پردازی: خاستگاه و نقد آن»، کتاب نقد، پاییز ۱۳۸۵، ش. ۴۰، ص. ۸۶.

۲. بلوکیانی. علی. *دایرةالمعارف بزرگ اسلامی*، ذیل باد.

۳. اسدیان خرم‌آبادی. محمّد و محمّدحسین جلّان فرخی. منصور کیایی. *باورها و دانسته‌ها در لرستان و ایلام*، ص. ۱۳۸.

۴. مجمع‌التورین. به نقل از شاملو. احمد، *کتاب کوچه*، پ. ج. اول، ص. ۱۱۶.

۵. صرغی. محمّدرضا. *بازتاب باورهای خرافی در مثنوی*، ص. ۱۰۳.

وارد شده است مبنی بر این که هرکس صورتی ایجاد کند روز قیامت مکلف می‌شود، در آن روح بدمد و چون نمی‌تواند، عذاب می‌شود.^۱

ریشه‌های طبّی

باورهایی نیز وجود دارند که از باورهای طب سنتی نشئت گرفته‌اند. در گذشته، به دلیل نبودن پزشک، طبابت عامیانه رایج بود. مردم با استفاده از داروهای گیاهی و آمیزه‌ای از باورهای خرافی بیماری‌ها را درمان می‌کردند. این رویه نه در ایران بلکه در سراسر جهان روشی متداول بوده است. «قریب یکصد سال پیش در هرت فورت شایر انگلیس کسی که می‌خواست از شر زگیل راحت شود، به روی آن گوشت خوک می‌مالید، سپس آن تکه گوشت را در سوراخی در داخل درخت زبان گنجشک قرار می‌داد، تا زگیل به درخت منتقل شود. در بولیوی هنگامی که آبله شیوع پیدا می‌کند، گوسفندی را ده به ده می‌گردانند و ضایعات آبله را به آن نشان می‌دهند، به این ترتیب گوسفند نام بیماری آبله آن منطقه را به خود می‌گیرد. در مکزیک مرغ زنده‌ای را دور سر بیمار می‌گردانند و به این ترتیب درد و بلای او را به جان انتقال می‌دهند.^۲»

ریشه‌های افسانه‌ای

باورهایی نیز وجود دارند که برگرفته از افسانه‌ها و متل‌ها هستند؛ برای مثال لرستانی‌ها در مورد کسوف معتقدند پیرزنی عاشق ماه است و چون ماه خورشید را دوست دارد. پیرزن به خورشید حمله می‌برد و وقتی روی خورشید می‌نشیند خورشید می‌گیرد و باید با سروصدا پیرزن را از خورشید دور کرد. گاهی پیرزن موفق می‌شود ماه را در بغل بکشد و این زمانی است که ماه می‌گیرد و باید برای نجات ماه بر مس و طبیل کوبید. (ر.ک. ماه) و دزفولی‌ها معتقدند خورشید و ماه هر دو در دست زن پدر گرفتارند. هنگامی که ماه یا خورشید می‌گیرند؛ یعنی زن پدر گلویشان را گرفته است و می‌خواهد خفه‌شان کند. برای این که زن پدر، خورشید و ماه را رها کند، به پشت بام می‌رفتند و آتش روشن می‌کردند و طبیل می‌زدند و بالاخره کلی سروصدا راه می‌انداختند تا زن پدر بترسد و گلوی هرکدام را که گرفته رها کند. (ر.ک. ماه)

اعتقاد به وجود دیو، جن و پری، بر بخش قابل توجهی از باورهای مردم سایه افکنده است؛ به عنوان مثال، مردم لرستان، دیوها را مسبب گرفتگی ماه و خورشید می‌دانند و می‌گویند دیوها بدخواه مهر و ماه‌اند و آن‌گاه که مجال یابند راه را بر مهر و ماه می‌بندند و گلوی آنان را فشار می‌دهند تا خفه شوند، در چنین هنگامی است که چهره ماه یا مهر سیاه می‌شود و برای رهاییشان باید بر طبیل یا تشت مسی کوبید که دیوان از صداها می‌هراسند و مهر و ماه را رها می‌کنند. (ر.ک. ماه) و در ممسنی، بر این باورند که از مابهران، ماه و خورشید را گرفته‌اند، برای رهایی آن‌ها نقاره می‌زنند، تیر شلیک می‌کنند، کل و گاله و هو می‌زنند. (ر.ک. ماه) یا معتقدند: «هنگام شب نباید آب جوش را بدون گفتن بسم الله روی زمین ریخت؛ زیرا بر سر جن‌ها یا بچه‌های آن‌ها می‌ریزد و کشته می‌شوند و ممکن است جن آن را تلافی کرده آدم را دیوانه یا مریض کند.» و «هنگام ریختن آب گرم و داغ روی زمین لازم است بسم الله الرحمن الرحیم گفته شود تا اهل خانه از

۱. وسائل الشیعه، ج ۳، صص. ۵۶۰ و ۵۶۱، ج ۲ و ۵ و ج ۱۲، صص. ۲۲۰ و ۲۲۱، ج ۶ و ۷ و ۸ و صحیح بخاری، ج ۷، صص. ۳۰۷، ب. ۵۰۸، ج. ۸۳۶ و

صص. ۳۱۰، ب. ۵۱۶، ج. ۸۴۷

۲. لواسانی، ص. ۲۲-۲۳.

گزند جنّ و پری در امان باشند.» (ر.ک. جنّ) و «اگر بچه‌ای پس از تولد زیاد گریه کند، تا چهل روز می‌گویند او را "وقه" زده است. وقه نام مرغ حق است که شبانگاه در آسمان پرواز می‌کند. کسانی که بچه نوزاد دارند، هنگامی که صدای حق‌حق او را می‌شنوند، می‌گویند "کارد، کوفت" و نیز بر این باورند که "وقه" نوعی اجنه است که به بچه صدمه می‌زند.» (ر.ک. جن)

انواع باورها از منظر فردی و اجتماعی

از این منظر باورها را به دو گروه می‌توان تقسیم کرد: باورهای فردی که زیان‌های رفتاری آن به‌طور مستقیم به خود فرد برمی‌گردد و برخاسته از عقاید فردی است و رواج اجتماعی ندارد و باورهایی که جنبه اجتماعی دارند، افکار مرسوم و احساسات غیرمنطقی که گروه زیادی در جامعه به آن‌ها اعتقاد دارند و بدان پایبند هستند.^۱

انواع باورها از منظر ریخت‌شناسی

به عقیده تی. اس. نولسون، اشکال عمده باورها عبارت‌اند از:

۱. اعتقاد به این‌که اگر به عمل خاصی اقدام شود، نتیجه خوبی در برنخواهد داشت.
۲. اجرای مراسم خاصی که نتایج دلخواه به بار خواهد آورد.
۳. ذکر علائم خاصی که به اعتقاد بیان‌کننده آن‌ها باعث حوادثی نیک یا بد خواهد شد.^۲

انواع باورها از منظر فلسفه پیدایش و ماهیت آن

قلی‌زاده^۳ از این منظر باورها را در هفت گروه قرار می‌دهد:

۱. خرافه‌های تلقینی که همان خرافه‌های فردی هستند و افراد برای خود ساخته و به خود تلقین می‌کنند.
۲. خرافه‌های تدافعی که برای جلوگیری از آسیب رسیدن ساخته شده‌اند؛ مثل پاره کردن لباس برای جلوگیری از چشم‌زخم.
۳. خرافه‌های فرافکنانه که مقصر ساختگی می‌سازد؛ مثل تخم‌مرغ شکستن.
۴. خرافه‌های ذوقی مثل فال حافظ.
۵. خرافه‌های تسکینی مثل خرافه‌هایی که بیماران برای بازیافتن سلامتی‌شان به کار می‌برند یا بخت‌گشایی.
۶. خرافه‌های تسخیری مثل اعتقاد به اشباح یا غول و جنّ.
۷. خرافه‌های بدلی که جایگزین اعتقادات دینی می‌شود و در اذهان می‌نشیند.

انواع باورها از منظر تاریخچه

به عقیده هدایت باورهای ایرانی دو منشأ دارند: اول باورهایی که خاص ملت ایران و اصیل هستند؛ دوم باورهایی که از ملل دیگر وارد رفتار، عادات و معتقدات ایرانی‌ها شده است؛ زیرا طبق شواهد تاریخی ایران

۱. شعرافیان، حمیدرضا، باورهای عامیانه در ایران به گزارش سیاحان غربی، ص. ۱۵.

۲. وارینگ، فیلیپ، فرهنگ خرافات، صص. ۱۰ و ۱۱.

۳. دایرةالمعارف، تشیع، ذیل خرافات، ج. ۷، ص. ۱۰۷.

مانند کاروانسراییی بوده است که در آمیزش و تماس با قافله‌های بیشتر ملل متمدن و غیر متمدن دنیای باستان مانند کلدانی، آشوری، یونانی، رومی، یهودی، ترک، عرب و مغول قرار گرفته است. «دسته‌ای از این اعتقادات، آداب و رسوم خوب و پسندیده است و از یادگارهای روزهای پرافتخار ایران است؛ مانند جشن مهرگان، جشن نوروز، جشن سده، چهارشنبه‌سوری و غیره. یک قسمت این عادات و خرافات که امروزه در نظر جامعه زشت و ناپسند می‌آید بی‌شک فکر ایرانی آن‌ها را ایجاد نکرده است بلکه در نتیجه معاشرت با نژادهای بیگانه و به واسطه فشارهای مذهبی و خارجی تحمیل شده است^۱». و در جایی دیگر می‌نویسد: «هرودوت می‌گوید عشق قربانی به قدری نزد مغان شدید بود که به کشتن چهارپایان تنها اکتفا نمی‌کردند بلکه پسران و دختران جوان را نیز به‌عنوان پیشکش به درگاه خدایان قربان می‌کردند. این عادت به وسیله مغان و خیلی پیش از هجوم ایرانیان وارد کیش مزدیسنا شد و به تدریج به آریایی‌ها سرایت کرد و قبایل فاتح را مقهور عقاید طایفه مغلوب گرداند... طالع‌بینی، زایجه‌شناسی، دفع اجنه و شیاطین و ارواح خبیثه، دعانویسی و دیگر عملیات سحری توسط مغ‌ها وارد کیش زرتشت شد و آینده‌بینی به وسیله شاخه‌های بید و نی و شبیه به آن‌ها معمول گشت^۲».

۱. هدایت، صادق، فرهنگ عامیانه مردم ایران، ص. ۲۳.

۲. هدایت، صادق، «جادوگری در ایران»، ماهنامه/رمغان، ترجمه خان بابا طباطبایی، دوره ۳۶، ش. هفتم، ۱۳۴، ص. ۳۶۱.